

همایش عظیم بدرقه رئیس جمهور شهید شرکت کردند، به ایشان رای نداده بودند. چه بسا اصلاً در انتخابات شرکت نکرده بودند، اما خون آیت الله رئیسی مهر تأییدی بر خدمات و اثربخشی آن شد. اگر در آذربایجان احیای دریاچه ارومیه توسط آیت الله رئیسی امید ایجاد کرده بود. اگر سد خدافرین و سد قیرقلعه سی در آنجا برای مردم امیدی آفریده بود. اگر پروژه های نیمه تمامی چون راه آهن میانه - تبریز تکمیل شدند و برای مردم عرصه خدمتی را ایجاد کردند، جمعی از افراد، این خدمات را درک می کردند، اما برخی چشم را بر این واقعیت ها می بستند. این حادثه دردناک، بسیاری از چشم ها را باز کرد که واقعیت ها را ببینند. کسانی که تحت تاثیر تبلیغات مسموم دشمنان، این واقعیت ها و خدمات رسانی دولت را نمی دیدند.

• **در مراسم تشییع شهید آیت الله رئیسی و همراهانش در شهرهای مختلف ایران به نوعی تشییع حاج قاسم سلیمانی یادآوری شد، به نظر شما این یادآوری چه پیامی دارد؟**

من از ایشان درس های فراوانی آموختم. اما چه در مورد شهید سلیمانی و چه شهدای دیگری که توفیق داشتیم که خدمت خانواده های ایشان برسیم، این عبارت را زیاد به کار می برد که در زیارت اربعین سیدالشهدا می خوانیم که سیدالشهدا (ع) «بَدَلُ مُهَجَّتِهِ فَيْكَ لَيْسَتْ بِنَدْبِ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ؛ سیدالشهدا خون قلبش را داد تا مردم از گمراهی و از درک نادرست از اوضاع و احوال نجات پیدا کنند و ما امروز شاهد هستیم که ارائه طریق و نشان دادن مسیر قله چگونه است. ما به قله نزدیک هستیم، اما مسیر، کوه و سنگلاخ است و بلد راه می خواهد.

ما تاریخ را می دانیم، اما پیش رو را ندیده ایم و آینده را نمی دانیم. ما برای آینده چراغ راه، بلد راه و راهنما می خواهیم. سیدالشهدا (ع) در وضعیتی که امر بر خیلی ها مشتبه شده بود، با خونشان مردم را از گمراهی نجات دادند. امروز منی که ادعا می کنم بیشترین

همراهی را با ایشان داشتم، ممکن است دچار این توهم بشوم که تا امروز در کنار ایشان حرکت می کردم؛ از فردا چه بکنم.

حضور باشکوه مردم و خون این شهدا دارد مسیر را نشان می دهد. حضور افرادی که به این صحنه ها می آیند نشان می دهد که افراد از چه طریقی افزایش یافته اند. کسانی هم که در این طریق بودند، افق پیش رو را روشن می بینند. افق تاریک نیست. ایشان جانش را داد، اما مشعل را برافروخت. و این مردم کسانی هستند که راه را پیدا کرده اند. این راه، راه شهداست. ما این صحنه ها را در کرپلا ندیدیم، اما در اربعین می بینیم و در تشییع جنازه حاج قاسم دیدیم. این امتداد موج اربعین است. ما در جستجوی شهدا با صحنه های تاریک مواجه بودیم. چشم، چشم را نمی دید. حرکت سخت بود. در شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه، افق آینده برای خیلی ها تاریک بود. این سیل جمعیت می گوید راه روشن شد. حالا که روشن شده است، برویم. مانند خورشید که طلوع می کند. تا تاریکی شب است، افراد ساکنند. خورشید آمد و هوا روشن شد. مردم راه را دیدند و به راه افتادند.

مردم، مردم خوبی هستند. فقط بایستی یک راهنما داشته باشند. راهنما باشد، مردم جاده را شلوغ می کنند و مسیر را می پیمایند. مردم در صحنه هستند و این بیانگر این است که خون شهید آیت الله رئیسی افق را روشن کرد و راه را نشان داد. حالا که راه روشن شده، مردم می آیند. ممکن است که به آقای رئیسی رای نداده باشند. حتی ممکن است که در انتخابات هم شرکت نکرده باشند. راه روشن نبود. فضا غبارآلود بود. روشن شد. غبار برطرف شد. این مردم، مردم خوبی هستند. این مردم وقتی فضا روشن باشد، به میدان می آیند.

• **شنیده ایم که شهید در کنار اقتدار مدیریتی، انسان عاطفی ای هم بودند. درست است؟**

فوق العاده. من اشک آقای رئیسی را بیش از لبخندش دیده ام.

• **چهارمان هایی؟**

فراوان. چه در زیارت، چه در دعا، چه در رفتاری های مردم. در خدمت ایشان در استان چهارمحال و بختیاری مسیری را برای بازدید می رفتیم. ایشان وقتی نعمت های خداداد را می دید و از اینکه در تمهید نعمت هائی که خدا به این مردم ارزانی داشته است، تأخیر شده است، در هلیکوپتر از اینکه به دلیل تعلل مدیران امثال من، دست مردم از این نعمت ها کوتاه مانده و پروژه هائی نیمه تمام هستند، گریه می کرد. در دعا و با دیدن ناراحتی کسی گریه می کرد. آخرین لبخندهائی که از ایشان دیدیم، در آغاز دهه کرامت و در جشن ۱۲ هزار نفری ای بود که در میان دختران نازنین این سرزمین می نشست و با آنها شاد بود و لبخند می زد. حقیقتاً به مردم عشق می ورزید. اشک دلیل عاطفه است. لبخند به موقع و در جای خودش دلیل عاطفه است. من اشک و لبخند عاطفی ایشان را زیاد دیدم. سرشار از عاطفه و عشق به مردم بود. شما در تصاویر صحنه هائی را دیده اید که راننده می خواست از کنار مردم عبور کند و ایشان با عتاب به راننده گفت: اینها مردم هستند. ما برای اینها آمده ایم. من غیر از کار با اینها کاری ندارم. بایست. اگر بخواهی این طوری رانندگی کنی، تو را کنار می گذارم و خودم پشت فرمان می نشینم. چرا؟ برای اینکه مبادا در این مسیر مردم برنجند. ایشان معتقد بود که نباید مردم را رنجاند.

• **و برای همین هم مردم این گونه در مراسم های ایشان به صحنه آمدند...**

اگر واقعیت موضوع و مطلب به مردم منعکس و موانع برطرف شوند که یکی از برکات این شهادت ها برداشتن این موانع است. اگر مردم با موانع مواجه نباشند، قدرشناس هستند. این حضور بیانگر قدرشناسی مردم هست. امیدوارم که امثال بنده بتوانیم قدرشناس این مردم باشیم. آقای رئیسی قدردان مردم بود و خوب قدرشناسی بود و خوب هم قدرشناسی می کرد. ما نباید امیدمان تنها به مردم باشد. باید به خدمتگزاران و به مردم گفت که اگر بناست این مسیر را ادامه بدهید و اگر عزت می خواهید، مسیر عزت این است.

مردم، مردم خوبی هستند. فقط بایستی یک راهنما داشته باشند. راهنما باشد، مردم جاده را شلوغ می کنند و مسیر را می پیمایند. مردم در صحنه هستند و این بیانگر این است که خون شهید آیت الله رئیسی افق را روشن کرد. راه را نشان داد. حالا که راه روشن شده، مردم می آیند. ممکن است که به آقای رئیسی رای نداده باشند. حتی ممکن است که در انتخابات هم شرکت نکرده باشند. راه روشن نبود. فضا غبارآلود بود. روشن شد. غبار برطرف شد. این مردم، مردم خوبی هستند. این مردم وقتی فضا روشن باشد، به میدان می آیند

پروژه را تمام کنید تا به درد مردم بخورد



در پروژه های نیمه تمامی که برای افتتاح می رفتیم، ایشان می گفت پروژه را تمام کنید تا به درد مردم بخورد. مهم نیست که بگویند مال این دولت یا آن دولت یا این رئیس جمهور یا آن رئیس جمهور یا این استاندار یا آن استاندار است. نیاز مردم را برطرف کنید. پروژه های نیمه تمام را با رویکرد باز کردن گره از کار مردم انجام می داد. اصلاً چیزی غیر از مردم را نمی دید و البته مردم را آئینه جمال خدای متعال و عیال و خانواده و خلق خدای متعال می دانست و می گفت: باید برای خدا به این مردم خدمت کرد.



رئیس عزیز

ویژه نامه چهلمین روز
عروج شهدای خدمت